

Babak Saberian is a translator who works for IRIB. Today, he is hosting Meysam in his office. Meysam is a high school student. He is interviewing Mr. Saberian for his school project.

بابک صابریان یک مترجم است که برای سازمان صدا و سیمای ایران کار می‌کند. امروز او در دفتر خود، میزبان میثم است. او از آقای صابریان برای پروژه مدرسه خود، مصاحبه می‌گیرد.

translate	فعل	ترجمه کردن
translation	اسم	ترجمه
translator	اسم	مترجم

IRIB	Islamic Republic of Iran Broadcasting	صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران
host	فعل	میزبانی کردن
host	اسم (فرد)	میزبان

host	اسم (مکان)	محل میزبانی
------	------------	-------------

interview	فعل و اسم	مصاحبه، مصاحبه کردن
interviewer	اسم	مصاحبه کننده
interviewee	اسم	مصاحبه شونده

Meysam: Thank you Mr. Saberian for inviting me to your office.

میثم: آقای صابریان، از اینکه من را به دفتر خود دعوت کردید، ممنونم.

Mr. Saberian: You're welcome!

آقای صابریان: خواهش می کنم.

Meysam: I heard you know three languages. Is that right?

میثم: شنیدم که شما سه زبان می دانید. آیا این درست است

invite	فعل	دعوت کردن
invitation	اسم	دعوت

inviter	اسم	دعوت کننده
---------	-----	------------

right		
right	صفت (درست)	That is the right answer.
right	صفت (سمت راست)	He had a pen in his right hand.
right	اسم (حق)	Everyone has a right to education.

welcome		
welcome	فعل	خوشامد گفتن- پذیرایی کردن
welcome	اسم	خوشامد گویی- پذیرایی
welcome	صفت	گرامی، خشنود کننده

Mr. Saberian: Well, actually four languages.

آقای صابریان: خب، در واقع چهار زبان

Meysam: Four! Really?! What languages do you know?

میثم: چهارتا! واقعا؟! چه زبان هایی می دانید؟

Mr. Saberian: Besides my mother tongue, Persian, I know English, French and Russian well.

صابریان: علاوه بر زبان مادری، که فارسی باشه، انگلیسی، فرانسه، و روسی را خوب بلدم.

besides		
besides	حرف اضافه	علاوه بر این
besides	حرف ربط	علاوه بر این
beside	حرف اضافه	در کنار

Meysam: Interesting! And when did you learn them?

میثم: جالبه! و کی اینهارو یاد گرفتید؟

Mr. Saberian: I began learning English at school when I was thirteen. Then I began learning French in a language institute when

I was fifteen. And I learned Russian when I was a university student in Moscow.

صابریان: من انگلیسی را در مدرسه، وقتی که سیزده سالم بود شروع کردم. سپس وقتی که پانزده سالم بود، شروع به یادگیری فرانسه در موسسه زبان کردم. و وقتی که در مسکو دانشجو بودم، روسی را یاد گرفتم.

Meysam: Can you use all of them fluently?

میثم: آیا می توانید به روانی همه این زبان ها را صحبت کنید؟

Mr. Saberian: I know all of them well, but I use English more.

صابریان: همه زبان ها را خوب می دانم اما از انگلیسی بیشتر استفاده می کنم.

Meysam: OK. Do you think language learning should start as early as possible?

میثم: خب. آیا فکر می کنید که یادگیری زبان باید هرچه زودتر انجام شود؟

fluently	قید	با فصاحت، روان
fluent	صفت	سلیس، فصیح

Mr. Saberian: My experience says interest and hard work are really more important than age.

صابریان: تجربه من میگه، علاقه و سخت کوشی خیلی مهمتر از سن هستند.

Meysam: Hmm... that's an important point. May I know what your favorite language is? English, French, or Russian?

میثم: هممم، این نکته مهمی است. ممکنه بدونم زبان مورد علاقه شما چیست؟ انگلیسی، فرانسه یا روسی؟

Mr. Saberian: To be honest, I enjoy using them all, but my favorite language is absolutely my mother tongue!

صابریان: راستشو بخوای، از صحبت کردن تمامشون لذت می برم، اما زبان مورد علاقه من قطعاً زبان مادریم است!

experience	فعل	تجربه کردن
experience	اسم	تجربه

hard-work	اسم	سخت کوشی
hard-working	صفت	سخت کوش

honest	صفت	صادق
honestly	قید	صادقانه

enjoy	فعل	لذت بردن
enjoyment	اسم	لذت
enjoyable	صفت	لذت بخش

مدرسه مجازی اینو